



- 1 و باز به کناره دریا به تعلیم دادن شروع کرد و جمعی کثیر نزد او جمع شدند بطوری که به کشتی سوار شده، بر دریا قرار گرفت و تمامی آن جماعت بر ساحل دریا حاضر بودند.
- 2 پس ایشان را به مثلها چیزهای بسیار می‌آموخت و در تعلیم خود بدیشان گفت،
- 3 گوش گیرید! اینک، برزگری بجهت تخم پاشی بیرون رفت.
- 4 و چون تخم می‌پاشید، قدری بر راه ریخته شده، مرغان هوا آمده آنها را برچیدند.
- 5 و پاره‌های بر سنگلاخ پاشیده شد، در جایی که خاک بسیار نبود. پس چون که زمین عمق نداشت به زودی روید،
- 6 و چون آفتاب برآمد، سوخته شد و از آنرو که ریشه نداشت خشکید.
- 7 و قدری در میان خارها ریخته شد و خارها نمو کرده، آن را خفه نمود که ثمری نیاورد.
- 8 و مابقی در زمین نیکو افتاد و حاصل پیدانمود که روید و نمو کرد و بارآورد، بعضی سی و بعضی شصت و بعضی صد.
- 9 پس گفت، هر که گوش شنوا دارد، بشنود!
- 10 و چون به خلوت شد، رفقای او با آن دوازده شرح این مثل را از او پرسیدند.
- 11 به ایشان گفت، به شما دانستن سرّ ملکوت خدا عطا شده، اما به آنانی که بیرونند، همه چیز به مثلها می‌شود،
- 12 تا نگران شده بنگرند و نبینند و شنوا شده بشنوند و نفهمند، مبادا بازگشت کرده گناهان ایشان آمرزیده شود.
- 13 و بدیشان گفت، آیا این مثل را نفهمیده‌اید؟ پس چگونه سایر مثلها را خواهید فهمید؟
- 14 برزگر کلام را می‌کارد.
- 15 و اینانند به کناره راه، جایی که کلام کاشته می‌شود؛ و چون شنیدند فوراً شیطان آمده کلام کاشته شده در قلوب ایشان را می‌ریاید.
- 16 و ایضاً کاشته شده در سنگلاخ، کسانی می‌باشند که چون کلام را بشنوند، در حال آن را به خوشی قبول کنند،
- 17 و لکن ریشه‌ای در خود ندارند، بلکه فانی می‌باشند؛ و چون صدمه‌ای یا زحمتی به سبب کلام روی دهد در ساعت لغزش می‌خورند.
- 18 و کاشته شده در خارها آنانی می‌باشند که چون کلام را شنوند،
- 19 اندیشه‌های دنیوی و غرور دولت و هوس چیزهای دیگر داخل شده، کلام را خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌گردد.
- 20 و کاشته شده در زمین نیکو آنانند که چون کلام را شنوند آن را می‌پذیرند و ثمر می‌آورند، بعضی سی و بعضی شصت و

- 21 پس بدیشان گفت، آیا چراغ را می‌آورند تا زیر پیمانه‌های یا تختی و نه بر چراغدان گذارند؟
- 22 زیرا که چیزی پنهان نیست که آشکارا نگردد و هیچ چیز مخفی نشود، مگر تا به ظهور آید.
- 23 هر که گوش شنوا دارد بشنود.
- 24 و بدیشان گفت، با حذر باشید که چه می‌شنوید، زیرا به هر میزانی که وزن کنید به شما پیموده شود، بلکه از برای شما که می‌شنوید افزون خواهد گشت.
- 25 زیرا هر که دارد بدو داده شود و از هر که ندارد آنچه نیز دارد گرفته خواهد شد.
- 26 و گفت، همچنین ملکوت خدا مانند کسی است که تخم بر زمین بیفشاند،
- 27 و شب و روز بخواهد و برخیزد و تخم بروید و نمو کند. چگونه؟ او نداند.
- 28 زیرا که زمین به ذات خود ثمر می‌آورد، اوّل علف، بعد خوشه، پس از آن دانه کامل در خوشه.
- 29 و چون ثمر رسید، فوراً داس را بکار می‌برد زیرا که وقت حصاد رسیده است.
- 30 و گفت، به چه چیز ملکوت خدا را تشبیه کنیم و برای آن چه مثل بزنیم؟
- 31 مثل دانه خردلی است که وقتی که آن را بر زمین کارند، کوچکترین تخمهای زمینی باشد.
- 32 لیکن چونکاشته شد، می‌روید و بزرگتر از جمیع بقول می‌گردد و شاخه‌های بزرگ می‌آورد، چنانکه مرغان هوا زیر سایه‌اش می‌توانند آشیانه گیرند.
- 33 و به مثل‌های بسیار مانند اینها بقدری که استطاعت شنیدن داشتند، کلام را بدیشان بیان می‌فرمود،
- 34 و بدون مثل بدیشان سخنی نگفت. لیکن در خلوت، تمام معانی را برای شاگردان خود شرح می‌نمود.
- 35 و در همان روز وقت شام، بدیشان گفت، به کناره دیگر عبور کنیم.
- 36 پس چون آن گروه را رخصت دادند، او را همانطوری که در کشتی بود برداشتند و چند زورق دیگر نیز همراه او بود.
- 37 که ناگاه طوفانی عظیم از باد پدید آمد و امواج بر کشتی می‌خورد بقسمی که برمی‌گشت.
- 38 و او در مؤخر کشتی بر بالشی خفته بود. پس او را بیدار کرده گفتند، ای استاد، آیا تو را باکی نیست که هلاک شویم؟
- 39 در ساعت او برخاسته، باد را نهیب داد و به دریا گفت، ساکن شو و خاموش باش! که باد ساکن شده، آرامی کامل پدید آمد.
- 40 و ایشان را گفت، از بهر چه چنین ترسانید و چون است که ایمان ندارید؟
- 41 پس بی‌نهایت ترسان شده، به یکدیگر گفتند، این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می‌کنند؟